

# مداخله خلاقانه مبتنی بر گسترش فضایی و اجتماع پذیری در الگوهای پایدار معماری ایرانی

(مطالعه موردی حرم حضرت عبدالعظیم(ع))

سید مجید هاشمی طغرالجردی<sup>1</sup> و رسول رضائی<sup>2</sup>

تاریخ دریافت: 1397/04/01

تاریخ پذیرش: 1398/02/21

**چکیده:** حرم ائمه اطهار(ع) و امامزادگان، مکانی معنوی برای عبادت و کسب معرفت است. خلاقیت فضایی در پاسخ‌گویی به نیازهای فردی یا جمعی در حیاط، گنبدخانه و شبستان بناهای مذهبی قابل رصد کردن است. مداخله خلاقانه در بسط چشم‌انداز، پیوستگی فضا و گشایش فضایی موجب اجتماع‌پذیری مکان و احساس با هم بودن مؤمنین شده است. اهمیت دادن اسلام به جامعه، با هم بودن و نمایش این تجمع مبارک موجب توجه به نماز جمعه و مصلا شده است. این مقاله با ترکیبی از روش تحلیلی و تفسیری به معرفی روند تکامل الگوهای فضایی در حیاط، شبستان و گنبدخانه برخی از مساجد و مدارس پرداخته است و با پیمایش و برداشت نقشه‌های طرح توسعه حرم حضرت عبدالعظیم(ع) نشان می‌دهد، در طرح توسعه با قرار گرفتن عناصر شاخص روی محورهای حیاط و با پیوستگی منظر میان آنها، فضایی خوانا و ممتد در قالب حیاط و مفصل‌های فضایی باز و نیمه باز از بست شمالی تا صحن جنوبی و فضای مصلی به صورت هم‌محور شکل گرفته است. صحن‌های دیگر در اطراف گنبدخانه حرم‌های مطهر امامزادگان به صورت به هم پیوسته از طریق مفصل رواق به هم متصل شده است. معمار با تداوم بهره‌گیری از الگوهای همجواری شبستان‌ها با حیاط‌ها، سه صحن که بی‌واسطه با حرم امامزادگان متصل شده‌اند را طراحی و فضایی معنوی و فرح بخشی را ایجاد کرده و سعی نموده است با خلاقیت در ارتقاء بهره‌وری از فضا مراحل بالاتری از درک فضا و احساس حضور در فضای جمعی را برای مردم فراهم نماید. همانند مسجد امام اصفهان و در الگوی خرد، صحن مصلا در اتصال به ایوان و حیاط متصل به کنج صحن به گشایش فضایی بیشتری رسیده است. در فضای داخلی مصلا پیوستگی فضایی، در سقف چلیپایی گنبدخانه و شبستان متصل به آن فضایی یگانه را در کف و سقف به‌طور مشترک و به یک اندازه گشایش و بسط داده است. گشایش فضایی در کنار پیوستگی فضا باعث پویایی به عنوان یکی از مهمترین بخش‌های تجربه بصری در فضای گنبدخانه در جهت ایجاد تعادل ادراکی و بصری شده و باعث انبساط خاطر استفاده‌کنندگان گردیده است. مصلا حرم هم پاسخ‌گو به عبادت فردی با حریم معین بوده و هم به مکانی اجتماعی با سیالیت و انعطاف‌پذیری فضایی رسیده است.

**واژگان کلیدی:** پایداری، خلاقیت، گشایش فضایی، اجتماع‌پذیری، تداوم، حیاط و گنبدخانه.

<sup>1</sup> استادیار، دانشکده فنی دانشگاه ولی عصر(عج)رفسنجان، مأمور در دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) Sm.hashemi50@gmail.com

<sup>2</sup> دانشجوی کارشناسی، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.





## 1- مقدمه

هدف از طراحی برآورده ساختن نیازهای انسان است (Oliver, 2006) و اصول سازمان دهنده فضا به همان میزان که نشان دهنده حالت کلی انسان هستند، بر ارتباطات میان انسان‌ها دلالت می‌کند (Maples, 1995). از آنجایی که فضای معماری، بیانگر اندیشه، احساس و جهان‌نگری انسانی است (Marcus, 1995)، ماهیت دوگانه‌ای از خصوصی و عمومی بر برخی از فضاها حاکم شده است (Chermayeff and Alexander, 1963). فرم‌های معماری ایرانی با توجه به کارکرد بسیار متنوع طراحی شده است. "مقبره یا آرامگاه بزرگان در ایران بیشتر از سایر کشورهای اسلامی مورد توجه بوده است؛ زیرا ایرانیان به اولیاء و بزرگان خود بسیار احترام می‌گذارند" (Hatam, 1379). جدا از آرامگاه عارفان و مفاخر ملی، امام و امام‌زادگان، در حقیقت واسطه‌هایی هستند که مردم ایران از آنان به عنوان حلقه ارتباط و شفیع در نزد خداوند توجه دارند (Gharavi, 1376). در تاریخ معماری ایران اسلامی، بناهای آرامگاهی پس از مساجد بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده و در دوره‌های مختلف همواره توجه ویژه‌ای را به خود معطوف داشته‌اند (brand, 1383). البته موضوع واسطه قرار دادن یک بزرگ و دارای مرتبه ایمانی بالا در نزد پروردگار ریشه در متون دینی و اسلامی دارد. در برخی از آیات، ساخت بنای زیارتی و مسجد بر مرقد بزرگان دینی مجاز شمرده شده است از جمله در آیه 21 سوره کهف موضوع ساخت بنایی بر محل مرگ اصحاب کهف این چنین می‌فرماید: "و کسانی که در مورد ایشان غلبه یافته بودند گفتند بر غار آنها (محل دفن و فوت آنها) عبادتگاه و مسجدی خواهیم ساخت". با توجه به نوع الگوی رفتاری در فضای زیارتی و در پاسخ به این سؤال که طرح گسترش این بناها دارای چه شاخصی باید باشد؟ می‌توان متوجه اهمیت نماز و قرارگیری زیارتگاه‌ها در جوار شبستان مصلّا شد.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و گرایش مردم به نماز جمعه نیاز به ساخت مصلّاهای جدید و توسعه حرم‌های موجود بیش از پیش احساس شد. از این رو طراحی و ساخت این گونه بناها به عنوان گرایشی جدی در معماری

معاصر مورد توجه قرار گرفته است که پیشنهاد می‌شود بخشی از چنین فضایی سرپوشیده و قسمتی به صورت روباز طراحی گردد (MahdaviNejad et al., 1391: 47-37) در این مقاله به طرح توسعه حرم حضرت عبدالعظیم(ع) در ری و مصلای هم‌جوار پرداخته شده است تا میزان اجتماع‌پذیری و تداوم الگوهای معماری ایرانی در این فضا مشخص شود. روش این کار ابتدا توصیف دلایل خوانایی و گشایش فضایی و سپس تطبیق نمونه‌های مشابه جهت شناخت روش‌های فضاآرایی است. در این روش در روندی توصیفی ابتدا به معرفی الگوهای فرمی غالب در آرامگاه‌ها پرداخته و سپس به طور تطبیقی الگوی گسترش حیاط در معماری ایرانی به نحوی که دارای بیشترین گشایش فضایی و همچنین الگوی گسترش فضا به گونه‌ای که بیشترین پیوستگی فضا و اجتماع‌پذیری را داشته باشد، را در گنبدخانه بناهای سنتی ایرانی بررسی و در آخر به نمونه باشکوه و خلاق معاصر پرداخته می‌شود. همجواری، موقعیت و هدف نقش مهمی در تعاملات اجتماعی دارد. همگونی افراد احتمال ارتباط متقابل را افزایش می‌دهد.

در سال‌های اخیر توجه به رویکرد معماری جمعی در جستجوی بهبود کیفی محیط از طریق فهم اجتماعات، ارزش‌ها و خواسته‌های ایشان است (Eslami et al., 1388: 47). پژوهش‌ها نشان می‌دهد، اجتماع‌پذیری فضای عمومی معماری با همنشینی و ترکیب مناسب عوامل کالبدی-فضایی آن و روانی-اجتماعی استفاده کنندگان، به دست می‌آید. این اجتماع‌پذیری با همساختی و سازگاری بالا بین کالبد فضا و رفتارهای تعاملی فرا فردی افزایش می‌یابد. ترکیب و همنشینی برخی از عوامل انسانی با برخی از عناصر پویای کالبدی همچنین با موقعیت فضا در سازمان فضایی کل بنا، که منجر به تمایل به تعامل و حضور بیشتر در فضا می‌شود، این همساختی را تقویت می‌کند (and Salihania 1388:5). در طراحی شهری جامعه‌گرا ایجاد سرزندگی شهری با جلب مشارکت شهروندان صورت می‌پذیرد (Golkar, 1390:405). سرزندگی را بازتاب شلوغی می‌دانند و شلوغی بازتابی از تنوع فعالیت‌هاست، تنوعی که ناشی از زیست‌پذیری و تطابق با نیازهاست



مقابر چهارگوش گنبددار به عنوان یکی از شیوه‌های کهن نمایان شد (Ettinghausen, 1381:301).

از اواخر قرن چهارم هـ.ق ساخت مقابر برجی شکل رواج بیشتری نسبت به چهارگوش‌های گنبددار پیدا نمود و در فاصله قرون پنجم تا هشتم هـ.ق. یکی از فرم‌های اصلی مقبره‌سازی شد ولی بر خلاف فرم برجی شکل که از قرن نهم هـ.ق. از رواج افتاد، مقابر چهارگوش گنبددار تقریباً در تمامی دوره‌های اسلامی رواج داشته است و از قرن نهم هـ.ق. به بعد، به عنوان اصلی‌ترین شیوه مقبره‌سازی مطرح شده است (Helen Brand, 1377:342-366). به طور نمونه برخی از موارد و نوع الگو و فرم مقابر و آرامگاه‌ها در دوران تمدن اسلامی در جدول شماره «1» ذکر شده است. بعد از دوره سلجوقی و به ویژه طی دوره ایلخانی با توجه به تغییر مذهب سلاطین مغول، تحولات گسترده‌ای در عرصه سنت تدفین به چشم می‌خورد. در این عصر ساخت مجموعه‌های آرامگاهی با الهام از اماکن مقدس و متبرک و مراکز علمی-آموزشی، که در واقع ترکیبی از مجموعه‌های علمی-مذهبی است، به یک سنت شهری و معماری تبدیل شده که از آن به عنوان ابواب‌البر یاد می‌شود (Shakari Nayeri, 1384:76).

سنت ساخت بناهای عام‌المنفعه در کنار مقبره طی دوره تیموریان نیز تداوم یافت و مهم‌ترین آنها به مانند دوره ایلخانی، برای شاهان و صوفیان بزرگ ساخته شد (Hosseini, 1388). گوهرشاد، همسر شاهرخ تیموری دستور ساخت مسجد جامع گوهرشاد کنونی به همراه تالارهای دارالسیاده و دارالحفاظ را صادر کرد (Blair, 1382:68). بناهایی چون مدرسه پریزاد، دودر و میرزا جعفر نیز از دیگر آثار دوره تیموریان در مجموعه رضوی است. شکل‌گیری مجموعه‌های آرامگاهی و مقابر گسترده نوعی آرامگاه زیارتی را در مقابل بناهای یادمانی قرون اولیه پدید آورد. در واقع، این امر از نوعی تغییر بنیادین در نگاه مردم به مقبره و مقبره‌سازی حکایت می‌کند. در تشیع و تصوف، مفاهیمی همچون ولایت و شفاعت و توسل، که زمینه اصلی زیارت اهل قبور است بر ساخت زیارتگاه تأثیر دارد (ghasemi, 1381:11). اولین ساختمان آستانه شاه نعمت‌الله ولی ماهان نیز بنا بر شواهد در دوره تیموری شروع و تا زمان

(HashemiFesharaki, 1396:73). جیکوبز تنوع را که شامل تنوع کاربری، فعالیت و کالبدی است را زمینه سرزندگی می‌داند (Hashemi Fesharaki, 1386:60) و همه این موارد در کنار دسترسی مناسب، همجواری‌ها، ظرفیت، چشم انداز، نورگیری، امنیت و مدیریت بحران و امکان دیدار همزمان شرکت کنندگان اجتماع پذیری، حس با هم بودن و سرزندگی فضا را بالا می‌برد. نور به محیط حیات می‌بخشد «ادراک طبیعت در محیط انسان ساخت اثر معناداری بر اجتماع پذیری فضاهای کالبدی دارد به نحوی که کانون‌های فعالیت در اماکنی از فضا نقش پررنگ‌تری دارد که ادراک محیط طبیعی بیشتری وجود دارد (Daneshgar et al., 1390: 25).

## 2- روش تحقیق

این پژوهش که از حیث هدف کاربردی است، به الگویی از طراحی معماری پرداخته که خلاقیت در گسترش پذیری و پیوستگی فضایی را نشان می‌دهد. داده‌ها به روش‌های میدانی و اسنادی گردآوری و با شیوه توصیفی - تطبیقی پردازش شده‌اند. بر این اساس، پس از دسته‌بندی و گونه‌شناسی حیاط و گنبدخانه‌ها، به توصیف این گونه‌ها و تبیین ویژگی‌های شاخص در فرم آن‌ها پرداخته شده، سپس فرم‌ها با یکدیگر مطابقت داده شده است. در ادامه با رویکردی تحلیلی-تفسیری، به الگوهای فضایی جهت نیل به احساس خلوت و تمرکز یا تجمع و گشایش پرداخته شده است. بدین منظور، ضمن مراجعه به آرای صاحب‌نظران، با استفاده از حضور در مساجد جدول شماره «3» و شکل شماره «14» سازمان فضایی آنها تحلیل میدانی و همچنین در رابطه با طرح گسترش حرم حضرت عبدالعظیم (ع) با مراجعه به معماران مجموعه نتایج مقاله بررسی و تحلیل شده است.

### 1-2- شکل‌گیری مجموعه‌های آرامگاهی


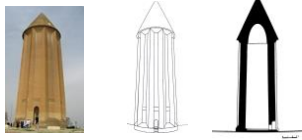
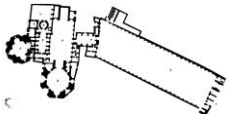
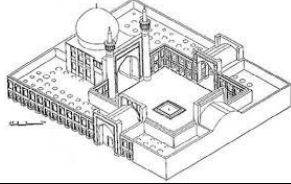


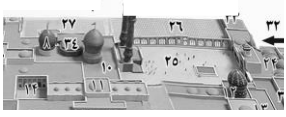
اگرچه در ارتباط با ساختار شکلی و فرم معماری بناهای آرامگاهی، تقسیم‌بندی‌های متعددی صورت گرفته لیکن در یک نگاه می‌توان آن را به دو دسته مقابر برجی شکل و مقابر به شکل قبه یا چهارگوش گنبددار تقسیم‌بندی نمود (Connell, 1387). در اوایل دوران اسلامی ساخت

شواهد تاریخی نشان می‌دهد ساختمان حرم اولیه و همچنین طرح توسعه حرم مطهر امام علی (ع) و حرم مطهر امام حسین (ع) نیز بر روی یک گنبدخانه مربع بنا شده است. صحن های تاریخی اطراف حرم مطهر امام علی (ع) بر خلاف چهار صحن اطراف گنبدخانه حرم رضوی به صورت شکل U و بهم پیوسته ساخته شده است، شکل شماره 2.

قاجاریه تکمیل شده است. روند تاریخی ساخت حرم مطهر حضرت امام رضا (ع) و حرم حضرت معصومه (س) بر مبنای گنبدخانه بر فضای چهارگوش است، در طرح توسعه این دو حرم الگوی ایجاد صحن های بزرگ در اطراف گنبدخانه تکرار شده است (شکل شماره 1).

جدول شماره 1- نمونه مقابر و آرامگاه ها پس از اسلام (مأخذ: فاطمی و هاشمی، 1395)

Tab.1- Examples of Post-Islamic Tombs (Source: Fatemi and Hashemi, 2016)

|   |  |   |                     |                    |
|---|--|---|---------------------|--------------------|
|    | آرامگاه های چهار گوش گنبددار که ریشه در آتشکده های ساسانی دارند.                           | مقبره امیر سامانی در بخارا  | 344-583<br>ه. ق.    | غزنویان و سلجوقیان |
|   | مقابر برجی شکل   | گنبد قابوس  |                     |                    |
|  | ساخت برج مقبره با ارتفاع بلند و سردر شاخص  | مقبره شیخ صفی - الدین اردبیلی                                       | 654-750<br>ه. ق.    | ایلخانیان          |
|  | ساخت مدرسه و مسجد کنار آرامگاه (ارسن)  | مسجد گوهرشاد<br>مدرسه پریزاد و دودر مشهد آرامگاه شاه زنده در سمرقند | 771-911<br>ه. ق.    | تیموریان           |
|  | ساخت مقابر گنبددار مجلل برای امامان و امام زادگان  | حرم امام رضا و حضرت معصومه (س)                                      | 907-1135<br>ه. ق.   | صفویان             |
|  | ساخت مقابر با الهام از مقابر دوره صفوی   | مقبره کلات نادری  | -1148<br>1163 ه. ق. | افشاریه            |
|   | ساخت مقابر اندک  | —   | 1163-1209<br>ه. ق.  | زندیه              |
|  | تعمیر بناهای قبلی، افزودن ایوان های منفرد و سه گانه به اتاق مربع شکل مرکزی مقابر دوره صفوی | —   | 1200-1344<br>ه. ق.  | قاجاریه            |



شکل شماره 1- سمت راست طرح توسعه حرم مطهر امام رضا (ع) و چپ طرح توسعه حرم حضرت معصومه(س)  
**Fig. 1- Right side of Imam Reza holy shrine development plan and left of Masoumeh holy shrine development plan**



شکل شماره 2- طرح توسعه حرم مطهر امام علی(ع) و طرح توسعه حرم مطهر امام حسین(ع) (مأخذ: سایت ستاد عتبات با تخلص نگارنده)

**Fig. 2 - Imam Ali Holy Shrine Development Plan and Imam Hussein Holy Shrine Development Plan**  
 (Source: The Etabat Staff Website by the author)








با توجه به اینکه بسیاری از مراسم به واسطه ضرورت ارتباط با آسمان در شب برگزار می‌گردد ساخت صحن‌های بزرگ در بسیاری از طرح‌های گسترش حرم امام‌زادگان مد نظر قرار گرفته است. (توجه شود به شکل «1» و «2»).

### 3- نتایج و بحث

#### 1-3- معرفی طرح توسعه حرم حضرت عبدالعظیم (ع)

حضرت عبدالعظیم (ع) 252-173 ه. ق. مشهور به شاه عبدالعظیم و سیدالکریم از عالمان سادات حسنی و از روایان حدیث است که نسب او با چهار واسطه به امام حسن مجتبی (ع) می‌رسد. در برخی روایات ثواب زیارت قبر او برابر با ثواب زیارت قبر امام حسین (ع) دانسته شده است. در جوار حرم ایشان حرم امامزاده حمزه (ع) منتسب به امام موسی کاظم (ع) قرار دارد. همچنین حرم امامزاده طاهر (ع) از نوادگان امام سجاد (ع) در ضلع دیگر صحن عتیق قرار دارد.

در حرم امام حسین (ع) و معماری صفوی آن نیز چهار صحن اطراف گنبدخانه بدون واسطه به هم متصل و چون نگینی گنبدخانه را در برگرفته بودند. در طرح توسعه حرم امام حسین (ع) این الگوی رعایت شده و گسترش فضا از گوشه‌هاست. در طرح توسعه حرم مطهر امام علی (ع) نیز صحن‌ها به طور پیوسته به دنبال هم طراحی و با گسترش محوری و در امتداد گنبدخانه امکان دیدن گنبد مطهر فراهم شده است. با توجه به اهمیت نماز جمعه ساخت مصلی در کنار حرم‌های امام‌زادگان مورد توجه است. تجربه ساخت مصلی همانند مصلای شهر ری در کنار حرم امام‌زادگان بسیار موفقتر از ساخت آنها جدا از بافت تاریخی یا دور از حرم‌های مذکور است. از جمله مصلاهایی که جدا از بافت تاریخی و حرم یا فضای قدسی سنتی همانند مساجد تاریخی ساخته شده است در شکل شماره «3» ذکر شده است (هرچند برخی همانند مصلای اصفهان در جوار قبرستان معروف تخت فولاد و مصلای تبریز کنار ارگ علیشاه قرار دارد)، در این موضوع شناخت و انتخاب الگوی معماری که بهترین فضای عبادت فردی را فراهم و قابلیت برگزاری مراسم جمعی را مقدور نماید، اهمیت ویژه‌ای دارد.

|   |        |   |       |  |       |
|---|--------|---|-------|--|-------|
|  | اصفهان |  | قم    |  | تهران |
|  | کاشان  |  | کرمان |  | کرمان |

شکل شماره 3 - مصلاهای مهمی که غیر همجوار با بنای مذهبی سنتی و شاخص ساخته شده (مأخذ: اصفهان و قم

sahebnews.ir-تهران abasabad.tehran.ir- تبریز -isna.ir- کرمان farsnews.com)

**Fig.3- Important Mosallaas which are not adjacent to the traditional and well-known religious building** (Source: Isfahan and Qom sahebnews.ir- Tehran abasabad.tehran.ir- Tabriz -isna.ir- Kerman farsnews.com)

## 2-3 - خلاقیت در تکمیل الگوهای پا یدار معماری و ارتقاء بهره‌وری از فضای قدسی

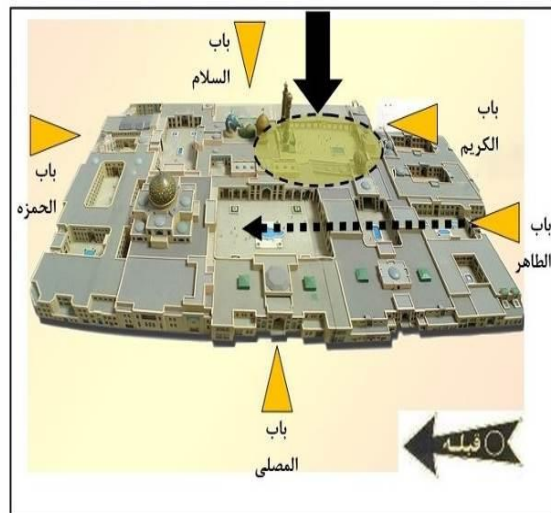
هنر معماری اسلامی ایران جلوه‌گاه تحقق امر قدسی در کالبد آن در عین تأمین نیازهای اجتماعی در صورت و معنی است (Taher Taloo et al., 1395: 17). در یک مجموعه ساختارمند خلاقیت و منطق در کنار هم قرار گرفته است، زیرا منطق به باید و نبایدهای عملکردی می‌پردازد و خلاقیت، فضای زیبایی را ساماندهی می‌نماید. به دلیل ارتفاع دید ناظر، همواره نحوه ارتباط فرم‌های معماری با آن مهم بوده است. در معماری ایرانی فرم‌ها با هر سه روش ساخت فرم یعنی: تداخل، دوختن چند فرم ساده با مفصل‌ها به یکدیگر و کم کردن ماده، ایجاد شده‌اند و اما روش غالب در ساختن فرم‌های ایرانی کم کردن ماده بوده است تا جایی که معماری ایرانی را همانند خشتی می‌دانند که فضای حیاط مرکزی از دل آن کم شده است. معمولا فرم‌های ایرانی یک شاخص فرمی دارد که روی نقطه اصلی طرح قرار می‌گیرد و همین شاخص فرمی محور اصلی بنا را تعریف می‌کند. معمولا فرم اصلی روی فضای اصلی مانند: گنبدخانه، تیمچه، مقبره، شاه نشین و ... قرار می‌گرفته که از نظر ابعاد، فرم، تزئینات، محل قرارگیری و ... از بقیه اجزاء فرم، شاخص‌تر بوده است. فرم اصلی در مقطع نیز همچنان جایگاه خود را حفظ می‌کند (taayefe, 1392:231).

تمام تلاش‌هایی که یک معمار در جهت ساخت فرم انجام می‌دهد در حقیقت برای آفرینش فضا و محقق کردن تصورات فضایی خویش است. قوانین هندسی و نیروهای حاکم بر اشکال به عنوان القا کننده نظم و زیبایی در طراحی ابنیه مورد استفاده قرار می‌گیرد. نیروی اشکال که از نظم موجود در هندسه آنها پدید می‌آید ماهیتی غیر مادی و ناملموس است که تأثیر محسوس در محیط پیرامون دارد (Pirdavari, 1394:456). مطابق با نظر «سمیر عکاش»: «نظم مرکزیت‌گرا (متحدالمرکز) و نظم امتدادی (ترکیب محوری و مرکزی) از نظام مشخص، نظم هندسی است. اشکالی چون دایره و چهارگوش و اشکال سه بعدی ناشی از آنان، چون کره و مکعب، نمونه‌هایی از فرم‌های مناسب خلق نظم مرکزیت‌گراست. نوع دوم این

در طرح توسعه حرم حضرت عبدالعظیم(ع) مجموعه‌ای از بناهای مذهبی فرهنگی قرار گرفته است. این بنا همانند دیگر زیارتگاه‌های بزرگ و معتبر در آغاز امر، شامل گنبدخانه و قسمت اصلی و مرکزی آن بود و به تدریج در طول سده‌های مختلف بناها و متعلقات دیگر به آن افزوده شده است.

از جمله در دوران صفوی صحن اصلی و مسجد شمالی و رواق و مسجد بالاسر احداث شده است. با توجه به لزوم افزایش فضاهای زیارتی و امکانات رفاهی و فرهنگی برای زائران در سال 1369 طرح توسعه حرم آغاز شد. شکل «5» تا «7». از فضاهای مهم طرح توسعه علاوه بر صحن و شبستان، مصالای بزرگ شهر ری و صحن آن است.

این بنای عظیم به منظور ایجاد مکان مناسب و دائمی برای برگزاری نمازهای جمعه، اعیاد و جماعات با زیربنای هشت هزار مترمربع با بهره‌گیری از خلاقیت معماری در کنار تزئینات گره، خطاطی، کاربندی، کاسه سازی و مقرنس احداث شده است.

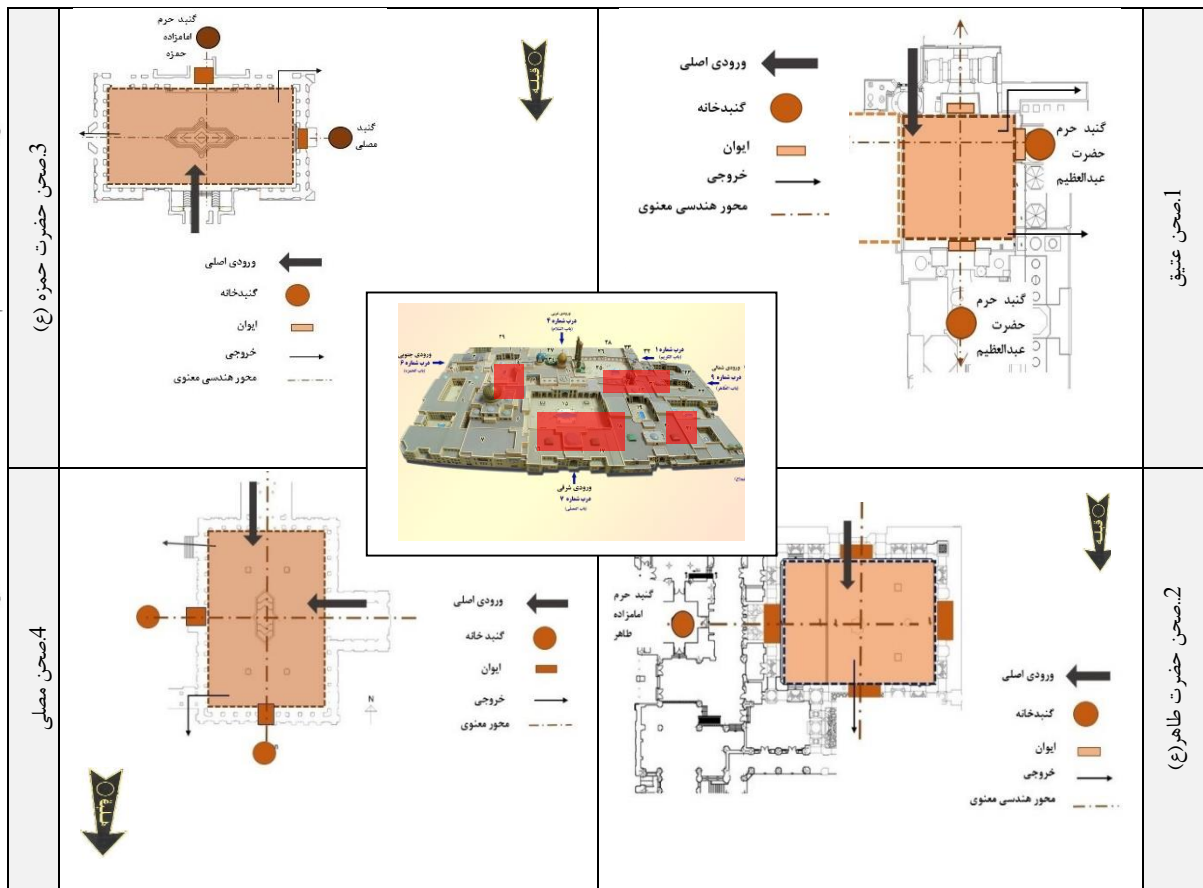


شکل شماره 4- طرح توسعه حرم حضرت عبدالعظیم(ع) بالا صحن عتیق و پایین بست شمالی (مأخذ: موزه حرم مطهر)

**Fig.4 - Development plan of the Abdul- Azim shrine (PBUH). Over the old courtyard and down the north aisle** (Source: The Holy Shrine Museum)







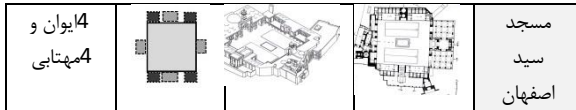
شکل شماره 6 - مهمترین محورها، عناصر نمادین و شاخص و صحن‌های مجموعه حرم حضرت عبدالعظیم (ع)  
 Fig. 6- The most important axes, the symbolic elements and indicators and the courtyard of Abdul-Azim's holy shrine

حیاط‌های کوچک پدید آمده و در نهایت در مسجد سید اصفهان و مدرسه شهید مطهری با توجه به چهار مہتابی ساخته شده با ارتفاع بالاتر از حیاط در چهار گوشه، اوج سیلان فضایی ایجاد شده و گشایش و سبکی فضای حیاط را زیاده‌تر نموده است (همان، جدول «2» و شکل «7» نظام حرکت و سکون مهم‌ترین پدیده در معماری است به ویژه حرکت در امتداد محور برای رسیدن به هدف (مرکز) که قرار و آرامش را برای حرکت بعدی فراهم می‌نماید. این حرکت در فضا غالباً با تبعیت از نظم حاکم بر آن فضا تسهیل می‌شود. «در معماری وجود عناصری که در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، سبب ایجاد سلسله-مراتب می‌شود، عناصر بصری به گونه‌ای منظم شده‌اند (تغییر رنگ، اندازه و فرم و مکان) که فضای معنوی با اهمیت را نمایان نموده‌اند (Grouter, 1385:385).

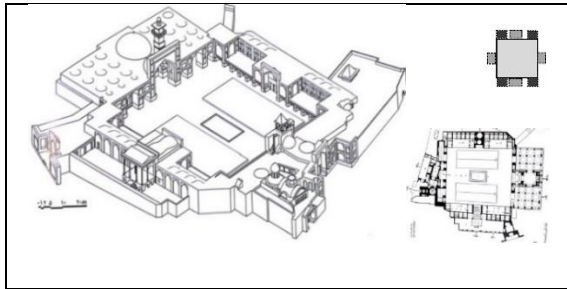
مطابق با نظر او سیر تکاملی معماری ایرانی به سوی گشایش و پیوستگی هرچه بیشتر فضاهای معماری بوده است. ایجاد مکانی که افراد در درون فضا احساس یگانگی بیشتر نمایند. در جدول شماره «3» الگو و روند تکاملی گشایش فضای حیاط در معماری ایرانی با افزودن فضای الحاقی ارائه شده است.

### 3-3- بسط چشم‌انداز در حیاط با نظام امتدادی

مطابق با نظر میرمیران: «چهار ایوان مسجد جامع اصفهان در اوایل قرن ششم هجری نخستین شکل گشایش فضایی بوده و پس از آن نوآوری‌ها ادامه یافته است. در مسجد امام اصفهان با طراحی دو حیاط کوچک در جنوب شرقی و غربی آن با چند گشادگی (در اینجا از طریق مفصل تاقنما) پیوندی بین حیاط بزرگ و



در مجموعه طرح توسعه حرم مطهر حضرت عبدالعظیم (ع) محورها و عناصر شروع و پایان مسیر حرکت شامل سردرهای ورودی، بست و صحن‌ها تا فضای مرکزگرای گنبدخانه‌ها با الگوهای خلاقانه‌ای به مکان‌ها نظم سلسله مراتبی داده که این نظام با هدف تأکید بر فضای خاص در ابعاد صحن‌ها، موقعیت و تغییر فرم تا در مسیر حرکت بودن و یا عمود بر مسیر حرکت شدن را شامل می‌شود. همچنین با هدف نشان دادن اهمیت فضاها با تغییر تکنیک کار کاشی‌ها از معقلی با غلبه رنگ آجری تا معرق با غلبه رنگ آبی، فیروزه‌ای و نیلی متعارف در معماری صفوی تا تغییر نوع و متن کتیبه‌ها و تزئینات ورودی‌ها و صحن‌ها را در بر گرفته است، شکل «4» تا «6».



شکل شماره 7- گشایش فضای حیاط در مسجد سید اصفهان

با 4 ایوان و 4 مهتابی گوشه حیاط (مأخذ: گنجنامه)

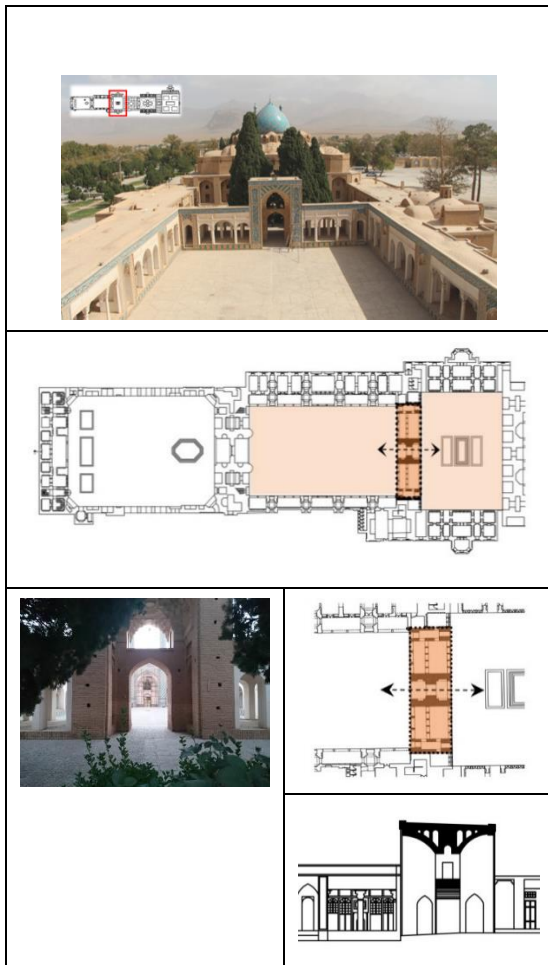
Fig.7- Opening of the courtyard space in Sayyid Isfahan Mosque with 4 porches and 4 moonlit courtyards (Source: Ganjnameh)

جدول شماره 2- الگو و روند تکاملی گشایش فضای حیاط

(صحن مساجد) در معماری ایرانی-اسلامی

Tab.2- Pattern and Evolutionary Process of Opening Yard Space (Mosque Courtyard) in Iranian-Islamic Architecture

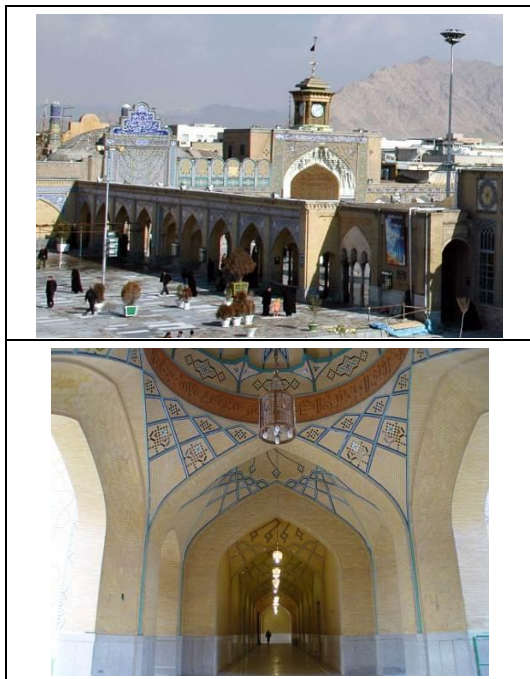
| نام مسجد                              | پلان | سه بعدی | روند گشایش فضایی | توضیحات                      |
|---------------------------------------|------|---------|------------------|------------------------------|
| حیاط مسجد فهرج                        |      |         |                  | رواق بدون ایوان              |
| حیاط مسجد جامع اصفهان                 |      |         |                  | 4 ایوان دارد                 |
| مدرسه چهار باغ یا مادر شاه سلطان حسین |      |         |                  | ایوان و حیاط چهار کنج        |
| حیاط مسجد امام اصفهان                 |      |         |                  | ایوان و دو حیاط مدرسه        |
| مسجد مدرسه شهید مطهری تهران           |      |         |                  | ایوان و دو مهتابی در گوشه‌ها |





یک رواق که فضای سردر را در مفصل اتصال با مقرنس زیبایی به محور دومی متصل می‌نماید به سمت گوشه صحن عتیق امتداد یافته است (شکل 12).

ج- صحن امامزاده طاهر(ع): این صحن مشتمل بر سطوح کاشی کاری شده عموماً معرقی است که با متون مقدس به سبک و رنگ‌های مرسوم دوره صفوی نزدیک شده است و زائر در مواجهه با آن متوجه حضور در فضای جدید قدسی می‌شود.



شکل شماره 13- بالا رواق اتصال صحن عتیق به باغ توتی و پایین، مفصل و رواق از بست شمالی به صحن عتیق  
**Fig.13- Upstairs porch connecting the old courtyard to Totti's garden and bottom, juncture and porch from the north end to the old courtyard**

خلاقیت دیگر ایجاد مفصل میان این صحن با صحن مصلی است که شفاف و با رواقی ستون‌دار با مقرنس سه مرکزی حاصل شده است که الگوی اتصالی آن در صحن حسینیه شاه نعمت الله ولی ماهان دیده می‌شود (شکل 8 و 13).

د- صحن مصلی: این صحن با سادگی و خلوص بیشتر مشتمل بر سطوح کاشی از نوع عموماً معقلی و با رنگ ملایم و گرم آجری و نخودی است که سادگی مورد نظر مصلاها را یادآوری می‌نماید. تغییر رنگ این صحن خوانایی آن را بالا برده و آن را از سایر صحن‌ها متمایز نموده است. تغییر مقیاس آن با توجه به جمعیت‌پذیری



شکل شماره 11 - الگوی گسترش چشم‌انداز دو حیاط به یکدیگر در خانه بانک توکلی کرمان بدون قطع منظر و محور دیداری

**Fig.11- Landscape development pattern of two yards in Kerman Tavakoli Bank house without interrupting the view and visual axis**

| صحن امامزاده طاهر(ع)  |  |                |
|---|--|----------------|
|   |  | نمای ضلع شمالی |
|   |  | نمای ضلع جنوبی |
| <p>روانی اصلی<br/>                     گنبدخانه<br/>                     ایوان<br/>                     خروجی<br/>                     محور هندسی محزون</p> |  |                |
|   |  | نمای ضلع شرقی  |
|   |  | نمای ضلع غربی  |

شکل شماره 12 - مهمترین مکان و عناصر فضایی و معنوی صحن امامزاده طاهر(ع)

**Fig.12- The most important place and the spiritual and space elements of the courtyard of Imamzadeh Taher**

معمار از چند موضوع جهت ایجاد حرکت هم جهت با مسیرها و به سمت مرکز و هدف‌ها بهره برده است. بست شمالی بعنوان فضای خدماتی با یک سر در شروع می‌شود که سردر و بست کلا در ساده‌ترین تزئینات تعریف شده، در این بست کتابخانه و دارالضیافه قرار گرفته و اتصال با صحن امامزاده طاهر(ع) با یک سردر انجام شده است.




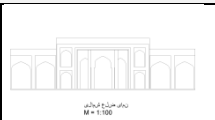

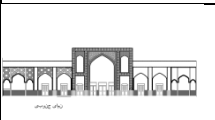
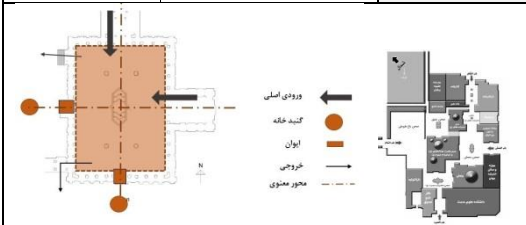

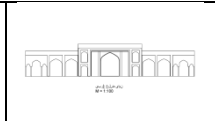




#### 4-3- خلاقیت در اجتماع پذیری، گشایش و پیوستگی فضایی شبستان و گنبدخانه

وجه دیگری که در سیر تکامل فضایی معماری ایرانی مورد توجه است، خلاقیت معماران در پیوستگی فضای مرکزگرای «گنبدخانه» است. تکامل تکنیک های ساخت، سیلان و گشایش فضایی در عین پیوستگی نشان از توانمندی معمار در ایجاد تصور فضایی جدید است. مطابق با نظر «میرمیران» در مسجد گوهرشاد دیوار بین گنبدخانه و ایوان قبله کاملاً برداشته شده و گشایش فضایی عالی تری به دست آمده است. حداکثر گشایش فضایی در مدرسه سپهسالار یا شهید مطهری تهران دیده می شود. در اینجا با انتخاب یک پلان چلیپایی علاوه بر آنکه مانند مسجد گوهرشاد فضای گنبدخانه را با فضای ایوان و فضای حیاط در ارتباط مستقیم قرار می دهد ارتباط آن را با فضای جانبی هم بدون هیچ مانعی تأمین می کند... و گنبد کیفیت معلق و بی وزنی را به دست می آورد. در مجموع فضای گنبدخانه این مدرسه را می توان نقطه تکامل الگوی گنبدخانه ها از نظر گشایش فضایی دانست» (همان). روند تکامل گشایش و پیوستگی فضا در گنبدخانه ها به ویژه گنبدخانه و شبستان مصلای حرم عبدالعظیم (ع) در تصویر شماره «14 و 15» بررسی و نظام معنوی و فضایی آن بیان شده است. در فضای عبادی دو گونه تعریف و مشخص نمودن حریم فضایی پیش رو قرار دارد.

فضایی که بر جنبه فردی تأکید دارد و معمولا در دهانه کوچک با سقف کوتاه و عموماً نیمه تاریک ساخته شده و خصوصیت حریمی و محصوریت بیشتری را برای انسان فراهم می نماید، لذا در این مکان شرایط عبادت فردی به خوبی فراهم است و فضای شفاف که معمولا در دهانه های بزرگتر بر جنبه اجتماع پذیری تأکید نموده و سهولت بیشتری در امکان دید استفاده کنندگان بر یکدیگر و فضای پیرامونی را فراهم می نماید. در شبستان مصلای با خلق فضایی چلیپایی در مرکز شبستان و زیر گنبدخانه اولین مرحله گشایش فضایی که در مدرسه شهید مطهری مسبوق به سابقه است، نمودار شده است. گنبدخانه و شبستان پیرامونی به گونه ای انتظام یافته

آن در روز جمعه بر جنبه عملکردی ویژه آن تأکید می نماید. محور (شمالی-جنوبی) قبله مابین گنبدخانه مصلای و بست شمالی و محور شرقی غربی منتهی به گنبدخانه حرم حضرت عبدالعظیم (ع) دو محور اصلی این صحن را تشکیل داده است. با حرکت از مفصل مشترک با صحن امامزاده طاهر (ع) به سمت صحن مصلای گنبد حرم حضرت عبدالعظیم (ع) در غرب و گنبد مصلای در جنوب قابل رویت شده است. گنبد مصلای در پس سردر مزین به مقرنسی است که از جنس و ترکیب آجر بهره برده است. در جنوب غربی آن رواق شفافی همانند آنچه در حیاط مسجد امام اصفهان مسجد و مدرسه را به هم متصل نموده گسترش فضایی صحن را افزایش داده است (شکل 14 و جدول 3). وجود ایوان شرقی با کاسه سازی 8 تایی محور صحن را تا میدان و پارکینگ متصل امتداد بخشیده است.

| صحن مصلی (ع)  |  |                |
|---|--|----------------|
|    |  | نمای ضلع شمالی |
|    |  | نمای ضلع جنوبی |
|  <p>                     ورودی اصلی<br/>                     گنبد خانه<br/>                     ایوان<br/>                     خروجی<br/>                     محور معنوی                 </p> |  |                |
|    |  | نمای ضلع شرقی  |
|    |  | نمای ضلع غربی  |

شکل شماره 14 - مهمترین مکان و عناصر فضایی و معنوی صحن مصلی

Fig.14- The most important space and spiritual elements of the Mosalla's Apron



که اولاً امکان استفاده چندگانه از فضا را میسر نموده و در ثانی راه یابی به درون فضا و ترکیب داخلی آن به گونه‌ای است که نقاط تأکید در ترکیب کاربردی، مقرنس و کاسه سازی موجب ایجاد فضایی یک پارچه با محور عمودی است که از کف تا سقف امتداد یافته است. نقش هندسه انتظام تک فضاهای سیالی است که برای کمال خود درون مرزهای یکدیگر لغزیده و در پیوند با نور الگوی خلاقانه‌ای از فضا ایجاد نموده. گشایش فضایی در کنار پیوستگی فضا باعث پویایی به عنوان یکی از مهمترین بخش‌های تجر به بصری در فضای گنبدخانه در جهت ایجاد تعادل ادراکی و بصری بوده و باعث انبساط خاطر استفاده‌کنندگان شده است.

سبکی و رعنائی فضا امکان بسط چشم‌انداز و ترکیب فضاها را موجب شده و با بالا رفتن ستون و سرستون‌ها که خود هم عنصر مجزا کننده فضای جانبی در کف است و هم به عنوان عنصر پیوند دهنده فضای آسمان است، شفافیت دید ناظر از میان ستون‌های مرکب چهار تایی را مقدور نموده و نمونه خلاقانه‌ای از سر ستون‌ها را رقم زده و ستون تا رأس گنبد با یک هندسه جدید شروع و خاتمه یافته است. در این تجربه فضایی خصوصیات فرمی در حقیقت مسیر حرکت نیروها را تعریف می‌نماید و کتیبه‌ها و متون مقدس و پنجره‌های رنگی نقاط عطف فضا را معرفی نموده است. با تغییر فرم نیروهای جدیدی پدید آمده که، از هندسه و

| ردیف | مسجد   | پلان | سیر تکامل | مقطع گنبد | عکس |
|------|--|------|-----------|-----------|-----|
| 1    | گنبد نظام الملک<br>مسجد جامع اصفهان  |      |           |           |     |
| 2    | گنبد مسجد گوهرشاد<br>مشهد  |      |           |           |     |
| 3    | گنبد مسجد شهید<br>مطهری<br>(مدرسه سپهسالار)<br>(شکل چلیپا در پلان و<br>در تطابق با آسمانه) |      |           |           |     |
| 4    | گنبد مسجد آقابزرگ<br>کاشان<br>(شکل چلیپا در پلان<br>بدون تطابق در آسمانه<br>)              |      |           |           |     |
| 5    | گنبد مصلی حرم<br>حضرت عبدالعظیم (ع)  |      |           |           |     |

شکل شماره 15- سیر پیوستگی، گشایش و تکامل فضایی از فضای ساده و بسیط تا مرکب چلیپایی در گنبدخانه‌ها  
 Fig. 15- Space continuity, openness and space evolution from simple and extensive space to compound chalipa in the domes

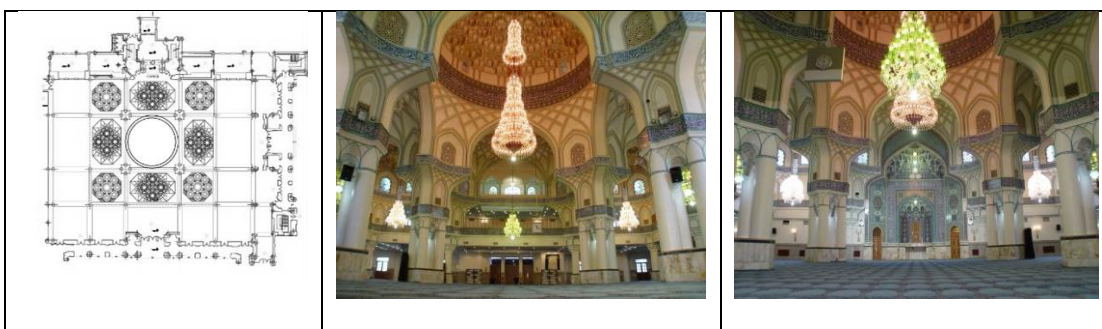


احساس با هم بودن مؤمنین و استفاده کنندگان نهفته است. از مهمترین اماکن فضای حرم ائمه اطهار(ع) و امامزادگان است و از جنبه فردی مکانی را فراهم می‌آورد که وا جد ویژگی های عبادت فردی و دارای حریم و به گونه‌ای است که فرد احساس می‌نماید در درون چیزی و در پناه کسی قرار دارد (همانند الگوی شکل شماره 17). در کنار این جنبه، توجه اسلام به با هم بودن و اجتماع مسلمین و نمایش گردهم آمدن آنها مد نظر است که نماز جمعه و مصلا تجلی نمایش سیاسی و عبادی است. مجموعه حرم حضرت عبدالعظیم(ع) و مصلی با عناصر شاخص نمادین و عملکردی در پاسخ به این دو نیاز به گونه‌ای طراحی شده که ضمن ایجاد گشایش در حیاط، آنها را در ترکیبی به هم پیوسته در کنار هم قرار داده است. فضای مصلا به عنوان الگوی خلاقانه‌ای از پیوستگی فضا در عین بسط چشم‌انداز ایجاد شده است. وحدت میان عناصر طرح توسعه در کنار امکان ارتباط چهره به چهره مؤمنین با هم و با خطیب، امکان برگزاری مراسم ویژه، چون نماز جمعه و مسابقات قرانی را فراهم نموده است. حرکت از فضای ساده و بسیط به سمت فضای مرکب در تاریخ معماری ایرانی امکانات کارکردی را در کنار حس فضایی بهتر فراهم نموده است. ترکیب فضای گنبدخانه‌ای مصلا و شبستانی پیرامون امکان معرفی معماری جدیدی را متصور می‌نماید. معمار با تداوم بهره‌گیری از الگوهای همجواری شبستان‌ها با حیاط‌ها، سه صحن که بی‌واسطه با حرم امامزادگان متصل شده است را طراحی و فضایی معنوی و فرح‌بخشی را ایجاد و سعی نموده است، با خلاقیت در ارتقاء بهره‌وری از فضا مراحل بالاتری از درک فضا و احساس حضور در فضای جمعی را برای مردم فراهم نماید. در الگوی اول با بسط چشم‌انداز در حیاط‌ها، با قراردادن عناصر شاخص روی محورهای حیاط، با پیوستگی منظر و عملکرد میان آنها، فضایی ممتد و لاینقطع در قالب حیاط و مفصل‌های فضایی باز و نیمه‌باز تا صحن و فضای مصلی ادامه پیدا نموده و در الگوی دوم خود صحن و حیاط‌ها با اتصال به ایوان یا رواق یا حیاط متصل به کنج‌ها به گشایش فضایی بیشتری رسیده است.

سطوحی که آن را به وجود آورده تبعیت می‌کند. خطوط هندسی که در ساختارهای مربع و دایره ای رسمی بندی وجود دارد، در حقیقت نیروهای موجود ساختار آسمانه سقف است که به پیرامون ساطع می‌شود. مصلا حرم شامل عناصر فضایی است که در عین کثرت و استقلال مکانی در ترکیب با سایر فضاهای جنبی به وحدت رسیده است. هندسه مصلی، فضایی را تعریف کرده که نمودار ویژگی های جمع داخل آن و نمایش شکوه و عظمت جمع مسلمین است. این مکان به خوبی به تک فضاهای مستقلی تقسیم شده که امکان عبادت فردی و زیارت در جوار حرم های پیرامون را مقدور می‌نماید. با اینکه فرم چلیپایی گنبدخانه و مربع شبستان متصل از ویژگی های شکل مربع و مستطیل بهره می‌گیرد، نقاط مشترکی روی هر مربع همجوار با چلیپا وجود دارد که در آن یک نیروی اصلی مربوط به خود شکل و یک نیروی فرعی مربوط به شکل همجوار، فضایی پیوسته را تحت سیطره و در ترکیب با هم قرار داده است. به عبارتی فضای گنبدخانه متأثر از اشکال چندگانه‌ای است که با چندین نیرو به هم متصل و مرتبط شده است تا زیبایی و تعادل بصری کلی مرکبی را فراهم آورد. در این میان ارتقاء کیفی فرم و بسط فضا در کنار تأمین امکانات عملکردی و حرکتی به خوبی حاصل شده است. «ترکیبات معمولی مربع با مستطیل می‌تواند حالات گوناگونی داشته باشد. در این حالات معمولاً نحوه استقرار مستطیل به گونه‌ای است که حتماً یکی از نیروهای آن در توازی یا تعامد با یکی از نیروهای مربع قرار می‌گیرد» (Pirdavari, 1394:475). ترکیب بندی سقف مصلا به نحوی است که فرم و احجام جدید فرم‌های اولیه را در جهت رسیدن به قالب فضایی جدید توسعه داده است. به نحوی که از لابه‌لای مسائل مختلف طراحی اعم از استانداردها و پاسخ‌گویی به نیازها، سیالیت و انعطاف‌پذیری را موجب شده‌اند.

#### 4- نتیجه‌گیری

خلاقیت فضایی در پاسخ‌گویی به نیازهای اصیل در حیاط، گنبدخانه و شبستان‌ها قابل رد کردن است. بسیاری از این خلاقیت‌ها در بسط چشم‌انداز، پیوستگی فضا و گشایش فضا متوجه موضوع اجتماع‌پذیری فضا و



شکل شماره 16 - سیر پیوستگی و گشایش فضا در گنبدخانه و شبستان مصلاي حرم. دید در به قبله و برعکس  
 Fig. 16-Continuity and openness process in the dome and shrine of the Shabestan (The door's view from Kiblah and vice versa)

| توضیحات   | الگوی گسترش | پلان | حرم مطهر                | ردیف |
|---|-------------|------|-------------------------|------|
| همه صحن ها به صورت خطی در امتداد هم و به سمت گنبدخانه حرم مطهر                        |             |      | حضرت علی (ع)            | 1    |
| صحن ها در 4 طرف گنبدخانه حرم مطهر به صورت به هم پیوسته و یک صحن واحد                  |             |      | امام حسین (ع)           | 2    |
| گنبدخانه حرم مطهر در 4 طرف به نحوی که بدون واسطه از نظر فیزیکی یا منظر مرتبط می باشد. |             |      | امام رضا (ع)            | 3    |
| در ترکیب خطی و سه گنبدخانه  |             |      | شاه عبدالعظیم حسینی (ع) | 4    |

شکل شماره 17 - نظام مابین صحن و گنبدخانه‌ها در طرح توسعه حرم‌های مطهر  
 Fig.17- The system between the courtyard and the dome of the shrine development plan



identity of the Iranian comprehensive mosques. *Journal of Sustainable Architecture and Urban Development*, 4 (2). Available at [www.jsaud.sru.ac.ir](http://www.jsaud.sru.ac.ir).

Ekash, S. (1999). The manifestation of world order and its marking on traditional Islamic architecture (A.A. Khanmohammadi). *Journal of Lifestyle*, 28, 48-61. Available at [www.sofeh.sbu.ac.ir](http://www.sofeh.sbu.ac.ir).

Gharavi, M. (1997). The tomb in the field of Islamic culture, Publications of the Association of Cultural Works and Scholars.

Salihania, M., Memarian, Gh. H. (2009). The sociability of the architectural space. *Journal of Fine Arts*, 40,5-17. Available at [www.jfaup.ut.ac.ir](http://www.jfaup.ut.ac.ir).

Connell, E. (2008). Islamic Art (Trans: H.Taheri), Toos Publications. Available at [www.toosbook.ir](http://www.toosbook.ir).

Grouter, J. (1987). Aesthetics in Architecture (A.R. Pakzad and A.R. Homayoun), Shahid Beheshti University Press.

Memarian, Gh.H. (2011). A Survey on the Theoretical Foundations of Architecture, Soroush Danesh Publications. Tehran.

Mahdavi Nejad, M.J., Hamza Nejad, M., and Kamyab, M. (2012). Principles of Design and Construction of Islamic Culture Based on Contemporary Iranian Architecture. *Islamic Iranian Quarterly*. Available at [www.iic.icas.ir](http://www.iic.icas.ir).

Mirmiran, S.H. (2004). A look at the architecture of the Qajar period (Flourishing space, declining construction and payments). *Memar Magazine*.

Hashemi Fesharaki, S.J. (2017). Secure and sustainable neighborhood design basics. *Beast Publications*. Tehran.

Helen Brand, R. (2004). Islamic Architecture (Trans: I. Etesam), Urban Planning and Publication of Tehran Municipality.

Fatimid, M., and Hashemi, S.M. (2016). The role of Shiite shrines in religious identity and shaping architecture and urban planning. Fourth Congress of Iranian Architecture and Urban History - Kerman Province.

Alexander, C. (2002). The phenomenon of life: An essay on the art of building and the nature of

## منابع

The Holy Quran (Trans: Makarem Shirazi).

Eslami, S.Gh.R, Hanachi, P., and Kamenya, H. (2009). The collective design approach in analysis architecture and a comparative study of collective architecture with social architecture and collaborative architecture. *Journal of Fine Arts*, 39, 47-60. Available at [www.jfaup.ut.ac.ir](http://www.jfaup.ut.ac.ir).

Ettinghausen, R., and Grabar, A. (2012). Islamic Art and Architecture (Trans: Yaghoob Azhand), SAMT Publications. Available at [www.samt.ac.ir](http://www.samt.ac.ir).

Blair, Sh. and Bloom, J. (2003). Islamic Art and Architecture in Iran and Central Asia, Volume I (Trans: Mohammad Mousavi Hashemi Golpayegani), Islamic Culture and Guidance Press and Publication Organization.

Imam Zadegan comprehensive website of Iranian-Islamic Imamzadehs, (2016). Available at [www.tabletapp.ir](http://www.tabletapp.ir).

Pirdavari, M. (2015). Form Architecture (Applying Volume Templates in Creating Architectural Forms). *Ketab Fekr Nou Publishing Institute*. Tehran.

Daneshgar, M., Golrukh Bahraini, S.H., and Aynifar, AR. (2011). Analysis of physical environment socialization influenced by the perception of nature in the human environment. *Journal of Fine Arts*, 45, 36-47. Available at [www.jfaup.ut.ac.ir](http://www.jfaup.ut.ac.ir).

Hatam, Gh. A. (2000). Islamic Architecture of Iran in the Seljuk Period, *Jihad Dneshgahi Publications*. Available at [www.isba.ir](http://www.isba.ir).

Hosseini, S.H. (2009). Investigating the process of creating tomb sets in Iranian architecture of the Islamic era, *Fine Arts Publications, Architecture and Urban Development*, 38. Available at [www.jfaup.ut.ac.ir](http://www.jfaup.ut.ac.ir).

Shakari Nayeri, J. (2005). Findings from the Ghazan Shaykh Project of the Ilkhanid-era Urban Phenomenon named Abu Albor. *Journal of Fine Arts, University of Tehran*, 81 (8). Available at [www.jfaup.ut.ac.ir](http://www.jfaup.ut.ac.ir).

Taher Taloo, M.S., MehdiNejad, J. and Sadeghi, A. (2016). Recognition of the nature of the sacred ideas in the authentic Islamic architecture of Iran based on the identification of the permanent

Marcus, C. C. (1995). House as a mirror of self: exploring the deeper meaning of home. Berkeley, Calif.: Conari Press.

Oliver, P. (2006). Built to meet needs: Cultural issues in vernacular architecture (1<sup>st</sup> Ed.). Amsterdam; Boston: Architectural Press.

the universe. Berkeley, Calif.: Center for Environmental Structure.

Chermayeff, S., and Alexander, C. (1963). Community and privacy: Toward a new architecture of humanism (1<sup>st</sup> ed.). Garden City, N.Y., Doubleday.

Malpas, J. (1999). Place and experience: A philosophical topography. Cambridge, U.K; New York, NY: Cambridge University Press.



سال، نهم، شماره اول / بهار و تابستان 98



162